

«گیج‌گاه» برگزیده جشنواره جئونجو کره جنوبی

فیلم سینمایی «گیج‌گاه» به کارگردانی عادل تبریزی به تهیه‌کنندگی حنیف سروری ومیراله مدنی در بیست و پنجمین جشنواره جئونجو در کره جنوبی موفق به کسب جایزه ویژه نیتک (شبکه توسعه سینمای آسیا) شد. این جشنواره سینمایی از اول تا دهم می (۱۲ تا ۲۱ اردیبهشت) در شهر جئونجو ی کره جنوبی در حال برگزاری است.گیج‌گاه پیش از این موفق به دریافت جایزه از چهلمین جشنواره فیلم های

ورزشی میلان ایتالیا، جایزه بهترین فیلمنامه از شانزدهمین جشنواره چوکساری روسیه، جایزه بهترین گروه بازیگران کمدی و بهترین تدوین از پنجمین جشنواره اسکیتاون در لس آنجلس آمریکا شده است.این فیلم روایتگر داستان یک معلم ادبیات و ورزش است که کلاس کاراته دارد، او برای ازدواج با مادر یکی از شاگردانش درگیر ماجرابی عجیب می شود و حتی پای جشمشید هاشم پور و دیگر ستارگان فیلم های اکشن

ایرانی هم به قصه زندگی او باز می شود.حامد بهداد، باران کوثری، سروش صحت، بهرنگ علوی، امیرحسین رستمی، نادر سلیمانی، بیژن بنفشه خواه، سیاوش چراغی پور، علی راد، مریم همتیان، محمد الپی، علی باغفر، ایمان اسماعیل پور، داوود ون داده، حامد شیخی، وحید رحمتی، با حضور فرهاد آیش و با هنرمندی جشمشید هاشم پور، رضا صفایی پور، حسن رضایی نقش آفرینان این فیلم سینمایی هستند.

«جام جم» به مناسبت روز دختر، خلأ محتوای فرهنگی مناسب نوجوان ایرانی را بررسی می‌کند

جای خالی دختران قهرمان در سینما

سال های اخیر در همین کشورهای غربی نیز در مورد آسیب هایی که این قهرمانان بر هویت و شخصیت نوجوانان گذاشته اند مباحثی مطرح شده اما سرمایه و تجارتی که از فروش این نوع سینما و قهرمان سازی های آنها حاصل می شود و میل کاسبان این فضای فرهنگی، اجازه نمی دهد جلوی چرخه باطل تولیدی قهرمان های هالیوودی گرفته شود. به هر حال در محبوبیت و فراگیری این قهرمان های صوتی شکی نیست؛ این که اهداف تعریف شده برای این قهرمان ها با فرهنگ ما تناسب ندارد نیز برپرواح است و اتفاقا خانواده های آگاه نیز علاقه ندارند این شخصیت ها که سبک زندگی متفاوتی را به دختران نوجوان معرفی می کنند، قهرمان زندگی فرزندان شان باشند ولی با علم به همه این موارد، باز هم می بینیم که این فیلم ها و شخصیت های سینمایی برای مخاطبان اصلی آن یعنی نوجوانان جذابیت دارد، دلیل اصلی چنین اقبالی، خلأهایی است که کسی به فکر پر کردن آن نیست، رسیدن به تولیداتی هم وزن با قهرمان های روز، دنیا را تسخیر کرده است.

روایت سینمایی از زاویه دید دختران در سن بلوغ

نمی توان انتظار داشت وقتی جهان را از زاویه دید دختران در حال بلوغ با تمام امیال و آرزوهای شان نمی بینیم و حتی اجازه نمی دهیم دختران نوجوان در فیلم های سینمایی که یک جهان غیرواقعی است، با آزمون و خطا درس زندگی بگیرند؛ آنها را به سوی سایر رسانه های جدیدی سوق می دهیم که سؤالات ذهنی شان را از گوشه های همراه پیدا کنند. برخورد محافظه کارانه خانواده ها هم درخصوص موضوعات مربوط به بلوغ جنسی و جسمی، تحولات و نیازمندی های روحی در این دوره سنی هم گاهی آن قدر دست به عصا می شود که نتیجه ای در خور به دنبال ندارد. این درحالی است که محتواسازی براساس فرهنگ و عرف جامعه، یکی از اصلی ترین کارکردهای رسانه های هنری و سینمایی است و درست در همین نقطه است که در رقابت با جادوی رنگ و روایت هالیوود و قهرمان های بی پروای آن، مغلوب می شویم و نوجوان را با ابرقهرمانی مانند «دختر کفشدوزکی» تنها می گذاریم تا او را از نوجوانی به جهان بزرگسالی هُل دهد.



غالباً در مواجهه با مقابله با مردان معنا می یابد، به صورتی که مخاطب احساس می کند این دختران بدون تقابل با مردان، هویت یا نقش آفرینی خاصی نخواهند داشت و هر پیروزی یا شکستی دختران قهرمان قصه به دست می آورند، حاصل جنگ و مبارزه ای است که با مردان زندگی خود داشته اند، نمی توانیم انتظار داشته باشیم دختران نوجوان با قهرمانان هم سال خود در سینما ارتباط بگیرند و با این شخصیت های محوری همذات پنداری کنند. در حقیقت آثاری که با محوریت دخترانگی و نوجوانی تاکنون در سینمای ایران روایت شده بیش از آن که تلاش کند قدرت تاثیرگذاری و تحول آفرینی دختران را بدون اتکا به مردان یا مبارزه با آنها نمایش دهد، بیشتر این احساس را در دختران آن هم دختران در سن بلوغ ایجاد می کند که قرار است به زودی با جهان مردسالارانه ای مواجه شوند که با باید در رینگ، به مصاف مردان زندگی و جهان خود بروید و در صورت دلآوری به اندازه کافی، پیروز این رزمگاه جنسیتی باشید یا به خودی خود و با حذف مردان از مقابل خود، هویتی برای شما باقی نمی ماند! به نظر نهایت خلاقیت سینماگران ایرانی برای گفتن قصه ای دراماتیک به دختران نوجوان کشور، تاکنون همین قدر ضعیف و سطحی بوده است و از راه سومی که دختران را بدون جنگ و مداخله مردان، قهرمان زندگی خودشان نشان دهد غافل شده ایم؛ چنین تصویری از یک دختر نوجوان در سینما که از قضا قرار است قهرمان فیلم یا انیمیشنی باشد، اتفاقاً بیش از هر چیز در ناخودآگاه مخاطب او را ضعیف و آسیب پذیر و متکی به دیگران جلوه می دهد، آن قدر متکی به دیگران که اگر مردی را شکست ندهد، دیگر راهی برای قهرمان شدن برایش باقی نمی ماند.

در جست وجوی قهرمان؛ از هالیوود تا کره

شاید همین قصور سینمایی موجب شده دختران نوجوان ایرانی برای یافتن قهرمان های سینمایی خود، سراغ تولیدات سینمایی کشورهای غربی بروند و حتی در سال های اخیر قهرمانان شان را در سینمای هالیوود یا حتی چهره های سینمایی و موسیقی کره ای جست وجو کنند. گواه این مدعا نیز افزایش میل یادگیری زبان کره ای در سنین نوجوانانی است که طبق آمارهای غیررسمی نسبت یادگیری این زبان در میان نوجوانان پسر و دختر، ۲۰ تا ۸۰ است.

ماوریت غیرممکن برای دختران قهرمان سینما در ایران

در بررسی قهرمان های سینمایی غربی محبوب دختران نوجوان که در رده ج، د و ه که شامل دختران هشت تا ۱۵ سال می شود، آثاری مثل کیتی، سیندلرا، سفیدبرفی و باربی با آن جهان دخترانه و لطیف شان یا رایونزل، فروزن و... را می بینیم که گرچه برخی از ابعاد زندگی انسانی آنها می تواند برای نوجوان ایرانی مفید باشد، اما نباید فراموش کنیم که موضوع چنین شخصیت هایی با فرهنگ کشورهای غربی سنخیت و نزدیکی دارند و نسبتی با فرهنگ ایرانی ندارند و می توانند دختران ایرانی را در یک دوگانگی فرهنگی قرار دهد. از سوی دیگر در

است که نه فقط اندام زنانه ای دارد بلکه در عمل نیز به دغدغه های بزرگسالان مانند ارتباط با جنس مخالف یا مبارزه با چالش های اجتماعی و... می پردازد! چنین ملغمه ای به گفته کارشناسان، منجر به بلوغ زودرس در کودکان و نوجوانانی می شود که تبعات خاص خود را در حال و آینده فرد خواهد داشت. تمامی این نکات باید در خلق دختر قهرمان ایرانی که بتواند مخاطبان را به خود جلب کند مورد توجه قرار بگیرد تا شاید اگر بهنگام عمل کنیم، تازه به گرد پای قهرمان های سینمایی خارجی که همین حالا هم حسابی در دل نوجوانان ما جا خوش کرده اند، برسیم.



به تصویر کشیده شدن در فیلم و انیمیشن، می تواند الگوی مناسبی برای دختران ایرانی باشد که هم موجب سرگرمی بیننده شود هم آموزنده و هم در رقابت با نمونه های خارجی قابلیت دفاع داشته باشد.

اعتبار ادیبان به سینما

در صورتی که سینماگران، اقدام به نمایشی کردن این آثار ادبی کنند، آن آثار نویسندگانی که سابقه خوشی دارند، نه فقط می توان از محتوای متناسب با فرهنگ ملی و مذهبی آسوده خاطر بود، بلکه اعتبار این اساتید ادبی و ترکیب آن با ذوق و استعداد سینماگران ایرانی، احتمالاً نتایجی خوب خواهد داشت و سینمای ایران به کمک ادبیات، شاهد ظهور قهرمانانی دلنشین برای مخاطب و در این گزارش با تاکید بر دختران نوجوان خواهد بود.

نقش مؤثر سینما در گذار سلامت نوجوانان از بحران بلوغ

دختران نوجوان با دنبال کردن قصه قهرمانان هم سن و سال خود در سینما با چالش هایی مشابه مانند دغدغه های مربوط به ارتباط با دیگر همسالان، جنس مخالف، حجاب، رفتار با پدر و مادر و سایر بزرگ ترها، ایفای نقش مادری در آینده و... آشنا و خیال شان راحت می شود که در این مشکلات و بحران های مربوط به دوران بلوغ و هزاران بررسی که در سر دارند، تنها نیستند و وقتی دختر قهرمان فیلم می تواند با هر مشقتی در نهایت از سختی ها عبور کند و تجربه های جدید نیز به دست آورد، دختران نوجوان ما هم امیدوار می شوند آنها نیز آینده روشنی خواهد داشت و بعد از هر سختی، آسانی از راه می رسد. ایجاد اعتماد به نفس و هویت بخشی به روح و ذهن دختران نوجوان از طریق سینما نه فقط موجب نشاط و شادابی آنها خواهد شد بلکه در جهانی که نوجوانان در معرض جذابیت های غیر قابل انکار قهرمان های سینمایی غربی قرار دارند، از سرگرد شدن دختران در دوران حساس بلوغ جلوگیری می کند.

وقتی دختران قهرمان در تقابل با مردان معنا می یابند!

زمانی که تصاویر دختران نوجوان و قهرمان فیلم های سینمایی ایران

دختران قهرمان ایرانی؛ از قصه ها تا سینما

همین حالا رمان «هستی» از نویسنده نامدار ایرانی؛ فرهاد حسن زاده که داستان یک دختر ۱۲ ساله اهل آبادان را به رشته تحریر درآورده، در بازار کتاب هست که بار دراماتیک و امکان روایت سینمایی بالایی دارد.

از دیگر تولیدات ادبی به زبان فارسی که با ایده ای متفاوت به مسأله حجاب و چالش های مرتبط با آن که ممکن است ذهن دختران در سن بلوغ که حجاب بر آنها واجب شده را درگیر کند پرداخته، نوشته کلر زوبرت نویسنده فرانسوی و مسلمان حوزه کودک و نوجوان است. زوبرت در کتاب «لینالونا» ماجرای دوستی یک دختر خردسال با آدم کوچولویی به اسم لینالونا را روایت می کند. این داستان فانتزی به زبانی کودکانه

از مسأله حجاب می گوید. همچنین سیده نیک رو با رمان هفت جلدی «دنیا» تلاش کرده مشکلات کودکان دختران در خانه و مدرسه را به زبان طنز بیان کند. موضوعاتی خاص از قبیل اهمیت فردیت، رأی گیری و قضاوت گروهی، مشکلات فرهنگی، و سواوس و... در این داستان ها مورد تاکید قرار گرفته که با وجود ظرفیت تبدیل به اثر سینمایی با انیمیشن به نظر مورد غفلت سینماگران قرار گرفته است. این داستان ها در حقیقت مشتم نمونه خروار هستند، زیرا در ادبیات دینی و ادبیات کلاسیک ایرانی مثل شاهنامه، ما شخصیت های خاصی از این دست کم نداریم که قهرمان اصلی قصه دختر نوجوانی است که خصوصیات منحصر به فرد خود را دارد و در برخورد با مسائل راهکارهای خلاقانه ای ابداع می کند که با

برش

قهرمانان هالیوودی موجب بلوغ زودرس می شوند

سینمای ما نیاز دارد که از ادبیات غنی کشور، آن بخش هایی که می تواند برای دختران نوجوان ما هویت ساز باشد کمک بگیرد. لازم است کارشناسان مربوط درخصوص طراحی قهرمان هایی که در سینمای امروز حرفی برای گفتن دارند وارد عمل شوند. یکی از آسیب های مورد تاکید درخصوص قهرمان های دختر در تولیدات غربی این است که فیلم، قصه ساده ای برای سن کودکی دارد در حالی که شخصیت محوری و قهرمان فیلم یا انیمیشن، مثلاً دختر نوجوان قهرمانی

مروری اجمالی بر تولیدات سینمایی ایران برای مخاطبان کودک و نوجوان که روایت قهرمانی های دختر نوجوانی باشد، نشان می دهد که دست ما در این زمینه خالی است و شاید این پرسش مطرح شود که چرا این گروه سنی و این جنسیت مهم است؟ به این دلیل که هم اکنون تولیدات خارجی

زیادی با همین محوریت خوراک فرهنگی غالب دختران در سن بلوغ ما شده که در صورت عدم تهیه خوراکي سالم و جایگزین کردنش با محتوای در دسترس و گردش برای سلیقه دختران، آسیب هایی متوجه این گروه سنی می شود که یا جبران ناپذیر است یا جبران آن هزینه فردی و اجتماعی گرانی خواهد داشت. البته این آسیب متوجه پسران نوجوان هم هست. در این وضعیت نوجوانان قطعاً برای یافتن قهرمانان سینمای خود سراغ رسانه ها و تولیدات فرهنگی بیگانه می روند و آن وقت است که فرصت جذب نوجوانان به فرهنگ مطلوب از دست خواهد رفت. از آنجایی که در تقویم ایران و روی کاغذ سالروز میلاد حضرت معصومه (ع) را به عنوان روز دختر نامگذاری کرده ایم، بررسی وضعیت تولیدات فرهنگی کشور بخصوص فیلم های سینمایی، برای دختران در دوران بلوغ که می تواند موجب هویت بخشی آنها متناسب با فرهنگ ایرانی- اسلامی شود، خالی از لطف نیست.

سینمای ایران و نبود پیوست فرهنگی

گرچه سینمای ایران در به تصویر کشیدن دختران قهرمان در فیلم ها توفیقاتی داشته مانند شخصیت «گلنار» در فیلمی به همین نام به کارگردانی مرحوم کامیوز پرتوی اما با فرض محبوبیتی مقطعی برای این قهرمان به دلیل نبود پیوست فرهنگی روشن پیرامون ضرورت آفرینش چنین قهرمان هایی در سینمای ایران، عملاً به دست فراموشی سپرده شده و شاید نسل جدید دختران، نه این قهرمان سینمایی را بشناسند، نه دغدغه های مشترکی با او داشته باشند. در دوران مختلف فیلمسازانی مانند رضا میرکمینی با فیلم «دختر»، رسول صدراعظمی با فیلم های «من ترانه ۱۵ سال دارم» و «دختری با کفش های کتانی»، مجید مجیدی با کارگردانی فیلم «بچه های آسمان» و در نسل جدیدتر سینمای ایران؛ نرگس آبیار با فیلم «نفس» در تلاش برای خلق دخترانی قهرمان در سینما با دغدغه های بومی و ملی بودند اما این میزان تولید در مقابل لشکر قهرمانان سینمای هالیوود ناچیز است.

دست خالی در رقابت با ابر قهرمان های

سینمای غربی

با بررسی فیلم های سینمایی یا انیمیشن های ایرانی حتی یک قهرمان با شخصیت جذاب دخترانه وجود ندارد که در ذهن این گروه های سنی، ماندگار شده باشد و وقتی از دختران نوجوان پرسیم، دختر قهرمان سینمایی تو در میان تولیدات ایرانی کدام شخصیت است؟ احتمالاً حتی یک دختر نوجوان قهرمان ایرانی و به یادماندنی در فیلم یا انیمیشن های تولید داخل در ذهن نخواهد داشت! حق هم دارد. در عوض زندگی نامه کی پاپ ها و قهرمان های انیمه ها و انیمیشن های خارجی را با جزئیات برای مان کالبدشکافی می کند؛ در چنین وضعیتی چطور می توانیم با قهرمان های سینمایی خارجی که ایده ها و فرهنگ غالب خود را القا می کنند، با دست خالی رقابت کنیم؟

از قهرمان های ادبیات فارسی غافل شدیم

خوشبختانه در ادبیات کشور، نوشتن داستان هایی با محوریت دختران نوجوان و ساختن تصویری متناسب با فرهنگ ایرانی- اسلامی از آنها، طرح چالش ها و دغدغه های این گروه سنی در قصه ها و کتاب ها، آموزش مهارت های فردی و اجتماعی به دختران از طریق ادبیات و... در مقایسه با دستاوردهای سینمایی با محوریت دختران قهرمان در سن بلوغ شرایط مطلوب تری دارد. درواقع می توان گفت نسبتاً آب در کوزه است و ماگرد جهان می گردیم با آنچه از یک قهرمان سینمایی در ادبیات خود داریم



انتشار «مثل ستاره» در آستانه روز دختر

نماهنگ «مثل ستاره» با صدای حاج عبدالرضا هلالی، در آستانه ولادت حضرت معصومه(س) و روز دختر منتشر شد. این نماهنگ همزمان با دهه کرامت ارائه شده و کاری از گروه سرود اسوه با شعری از سید جواد پرنی و تنظیم مهدی سوسنی است و در راستای پوشش «ایران حرم است» در مرکز هنری رسانه ای نهضت تهیه و پیش روی مخاطبان قرار گرفته است.

کوپرکد را اسکن کنید

فیلم کوتاه

فیلمی با محوریت سوره طلاق

فیلم «دست خدا» به کارگردانی علیرضا گلستان کلید خورد. این فیلم با محوریت پیام قرآنی آیه ۳ سوره طلاق است که در آن آمده: «ما روزی انسان ها را جایی می فرستیم که هیچ کس تصورش را نمی کند». فیلم دست خدا؛ ماجرای زنی



سرپرست خانوار است که برای تهیه مایحتاج دو فرزند و پدر بیمارش تلاش می کند. این زن بعد از آن که با تسلط کردن عروسک ها در خیابان درآمدی به دست نمی آورد، آخرین تلاشش را برای تأمین مایحتاج خود می کند اما...! فیلم کوتاه دست خدا به نویسندگی و کارگردانی علیرضا گلستان و تهیه کنندگی حکم علی احدی در تهران کلید خورده است.

مقداد اسلامی، اسما خواجه، رضا اناری، طاهر گلستان، آلا فتحي، ماشاا... میرزامحمدی و سیدحسن محمدی بازیگران این فیلم هستند. میلاد محمدی مطلق تصویرپرداز، شهلا خداداد صدابردار، نگار نورمحمدی طراح لباس، حجت بابایی گریم، زهرا خسروی دستیار کارگردان، مهراسا مرعشی دستیار گریم از دیگر عوامل تولید فیلم دست خدا هستند.

تولید

حسین دارابی «خدای جنگ» می سازد

شورای صدور پروانه ساخت آثار سینمایی در جلسه اخیر این شورا در سازمان سینمایی، با ساخت پنج فیلمنامه موافقت کرد.

بر همین اساس فیلمنامه های «خدای جنگ» به تهیه کنندگی سعید سعدی، کارگردانی حسین دارابی و نویسندگی احسان ثقفی یزدی، «کینه»

به تهیه کنندگی سعید خانی نامقی و کارگردانی سیدحسام فرهنگندجو و نویسندگی سیدحسام فرهنگندجو و محمدعلی حسینی، «به هر حال رها» به تهیه کنندگی محمد احمدی، کارگردانی بهرنگ ذرفولی زاده و نویسندگی سیدمهدی نریمانی زمان آبادی، بهرنگ ذرفولی زاده و علیرضا تقابان و «کاغذ شطرنجی» به تهیه کنندگی بهروز افغمی و کارگردانی سیدعماد حسینی و نویسندگی بهروز افغمی، موافقت شورای پروانه ساخت سازمان سینمایی را اخذ کردند.

فیلم سینمایی خدای جنگ بعد از «صلحت» دومین همکاری حسین دارابی، کارگردان سینما یا سازمان هنری رسانه ای اوج است و پیش تولید این فیلم سینمایی به تهیه کنندگی سعید سعدی آبان ۱۴۰۲ آغاز شده بود. خدای جنگ روایتی حساس از یک اتفاق واقعی و مهم معاصر است.

